

«قصه‌ها»یی برای لایبی زنان کار تن خواب

رخشان بنی‌اعتماد و نهادهایی که مسئول نیستند



دولت و مسئولان باید جهت ریشه‌کن کردن این مشکل گام‌های جدی بردارند. فراموش نکنیم کارتن خواب کسی است که اجتماع نتوانسته برایش امکان تحصیل، شغل و امکان رشد و بالندگی فراهم کند.

در همین رابطه مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های شهرداری تهران از برنامه‌های ویژه این سازمان برای مساماندهی زنان معتمد در سال آینده خبر داده است.

فرزاد هوشیار پارسیان در مورد وضع زنان کارتن خواب پایتخت می‌گوید این زنان هر شب در سطح شهر جمع‌آوری و به مددسرا ارجاع می‌شوند و این در حالی است که ۹۰ درصد کارتن‌خواب‌های جمع‌آوری شده، اعتیاد دارند. معمولاً این افراد پس از زحایبی دوباره به زندگی کارتن‌خوابی خود بازمی‌گردند و بر همین اساس به دنبال برنامه‌ای برای اتمام این پروسه عبث هستیم و به نظر می‌رسد ایجاد خانه‌های میان راهی برای زنان بهترین گزینه است.

نکته قابل تأمل در زمینه این است که متولیان امر با واقعیت زنان کارتن خواب چقدر آشنا هستند یا عواملی که می‌تواند یک زن را کارتن خواب کند، می‌شناسند؟ برنامه‌ریزی برای توانمندسازی این افراد به چه صورت خواهد بود؟ و آیا حتی آمار از تعداد زنانی که با این پدیده زندگی می‌کنند را در اختیار دارند یا خیر؟

رضا مهریزی پیش‌بینی عکس‌العمل‌هایی که در موقعیت‌های غیرمنتظره از ما سر می‌زند کار مشکلی است، گاه رفتار ما نیز آن قدر غیرمنتظره به چشم می‌آید که نه خودمان، خودمان را می‌شناسیم و نه اطرافیانمان.

فیلم force majeure ساخته روبن اوستلوند، کارگردان سوئدی که نامزد بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان گلدن گلاب ۲۰۱۵ بود، خانواده‌ای را در یکی از موقعیت‌های اینجینینی به ما نشان می‌دهد.

فیلم روایتی است از اقامت ۵ روزه ابا و توماس که به همراه دو فرزندشان برای تعطیلات زمستانی به ارتفاعات آلپ در فرانسه رفته‌اند و در دومین روز اقامتشان با اتفاقی غیرمنتظره روبه‌رو می‌شوند. در حالی که دور میز رستورانی در فضای باز نشسته‌اند، صدایی توجه‌شان را جلب می‌کند بعد از دقایقی متوجه می‌شویم صدا مربوط به بهمنی است که از دامنه کوه پشت سرشان به طرف رستوران سرازیر می‌شود. ابا نگران است و توماس با اطمینان دادن به او که «این بهمن کنترل شده است، با خونسردی شروع به گرفتن فیلم از صحنه ریزش بهمن می‌کند.

کم کم بر سرعت دیوار برفی افزوده می‌شود، توماس و اغلب مردمی که روی میزهای کناری نشسته بودند با ترس آن جا را ترک می‌کنند و برف به رستوران می‌رسد و صحنه سفیدی می‌شود، با نشستن

هوشیار با بیان این که آسیب‌پذیری و خطر ابتلا به بیماری‌های مقاربتی در زنان بیشتر از کارتن خواب‌های مرد است؛ گفت: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده برای سال ۹۴، در نظر داریم تا زنان در خانه‌های میان راهی مورد حمایت قرار گیرند و پس از آن به ستاد توانمندسازی معرفی و بعد از آموزش و درآمدزایی، به آنها وام تهیه خانه ارایه تا در نهایت از خانه‌های

بین‌راهی مرخص شوند. این در حالی است که دی ماه امسال بهزیستی کشور از افتتاح مرکز ویژه برای زنان کارتن خواب در جنوب تهران خبر داد و گفت: این مرکز ظرفیت نگهداری یکصد نفر را دارد همچنین در این محل به زنان کارتن خواب آموزش‌های لازم در بخش اشتغال در مباحث فرهنگی و... داده خواهد شد.

رخشان بنی‌اعتماد، آخرین جایزه بین‌المللی فیلم «قصه‌ها» را برای ساخت سرپناهی برای زنان بی‌پناه اهدا کرد. قرار است جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره «آسیا‌پاسفیک» در حراجی بین‌المللی به معرض فروش گذاشته شود تا هزینه ساخت خانه مهر توسط موسسه «طلوع بی‌نشان‌ها» برای زنان کارتن خواب شهر تهران تأمین شود. جای خالی کارهای اجرایی و به صرفا به زنان آوردن آن، میان مسئولان و نهادها مسئول خالی است.

می‌توان برایش متصور شد شانه خالی می‌کند و در لحظه‌ای که باید از خانواده‌اش حمایت می‌کرد، تنها منافع خود را در نظر گرفته است. تصمیمی که او در کسری از ثانیه گرفته باعث به مخاطره افتادن جایگاهش شده است و شاید سال‌ها باید وقت صرف کند تا بتواند جایگاه قبلی‌اش را دوباره به دست آورد.

از طرفی این اتفاق جلوی چشم فرزندان رخ داد و در ادامه می‌بینیم که توماس سعی می‌کند تا به شکلی نمادین خودش را در چشم فرزندان بزرگ کند. در زویه دید رایج پدر حامی خانواده است، اما کارگردان قصد دارد زوایایی که هنگام مواجهه با اتفاقات اینجینینی از دیدمان دور می‌ماند را کنار این دیدگاه غالب قرار دهد. وجود همه ما دارای زوایایی پنهانی است که خودمان نیز از وجودشان بی‌خبریم و به همین دلیل قادر به کنترل کردن آنها نیستیم، تصمیماتی می‌گیریم و حرف‌هایی می‌زنیم که با آن چیزی که در ذهن اطرافیانمان جا افتاده متفاوت است و این تناقض باعث به وجود آمدن بی‌اعتمادی می‌شود. روبن اوستلوند، کارگردان این فیلم در این زمینه می‌گوید در تحقیقاتی که انجام داده متوجه شده در موارد مشابه، این عکس‌العمل‌های غیرمنتظره اغلب منجر به جدایی زن و شوهرها شده است. فیلم Force majeure می‌تواند به ما کمک کند با دیدی جدید به اتفاقاتی از این دست که در زندگی ما آنها روبه‌رو می‌شویم نگاه کنیم و با در نظر گرفتن همه جوانب تصمیم بگیریم.

ازدواج ایرانی

موسسه‌ها این است که در بسیاری از موارد، خیرین ناهماهنگ عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که یک نفر ممکن است از چندین موسسه وام یا جهیزیه بگیرد. گلزاری مجمع ملی خیرین ازدواج را راهی برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت دانسته و گفته است که این سمن‌ها باید در زمینه مسکن جوانان هم فعال شوند. وی همچنین از تنظیم اساسنامه این مجمع و شیوه‌نامه‌های آن در وزارت کشور خبر داده بود. پس از آن استنادهای مختلف نیز اعلام کردند به سمت راهاندازی این مجمع در استان‌های خود حرکت می‌کنند.

نگاه ویژه

درس‌های سودیتی و مرکز مداخله در بحران



اسما روانخواه پژوهشگر اجتماعی

گاهی اوقات روایت یک داستان از زبان یک نویسنده یا به نمایش در آوردن برشی از زندگی توسط یک کارگردان می‌تواند نکته‌ای را در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی برای ما روشن سازد که تا پیش از این کمتر به آن توجه می‌شده است و گاهی اوقات یک نویسنده، عکاس یا فیلمساز برخی از وجوه پنهان یک مسأله را بهتر از مسئولان یا جامعه‌شناسان می‌بیند و با خلق اثرش ما را نیز در این زمینه آگاه می‌سازد، آنها رسالت خودشان را که آگاهی بخشی است به انجام می‌رسانند، اما رسالت ما و مسئولان چیست؟ ما و مسئولان چقدر در برابر آنچه که دیده‌ایم یا شنیده‌ایم واکنش نشان می‌دهیم؟

مطلبی می‌خواندم از سودیتی ناسکار، نویسنده‌ای که برای نگارش یک گزارش مبتنی بر واقعیت‌راهی مرشدآباد یکی از مناطق ینگال غربی در هند می‌شود تا خودش را در معرض واقعیت قرار دهد و تصویری حقیقی از زندگی روزمره زنان در این منطقه ارایه دهد. ناسکار در گزارش خود به نکاتی توجه می‌کند که قابل تأمل است. او در نخستین مواجهش با زنانی که در معرض انواع آسیب‌ها از جمله تجاوز قرار گرفته‌اند یک سوال را با خود و خوانندگان مطرح می‌کند و آن سوال این است که چرا زنان این منطقه حرف نمی‌زنند و در مقابل آنچه که برایشان اتفاق افتاده است ساکت می‌مانند؟ او تصمیم می‌گیرد به دنبال پاسخ برای این سوال باشد.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در موردی دیگر، دختر و پدر و مادرش که نمی‌خواهند اسمی از آنها ببرم آرامش خود و دخترشان را در ناشناس ماندن و همدردی اقوام و دوستان یافته‌اند. حتی با وجود حمایت‌های اقوام و روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

در قسمتی از گزارش سودیتی این گونه آمده است: ما جراحی در روستا شنیدم، از دختر نوجوانی که ۴ سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته بود. والدین او با وجود این که متجاوز را می‌شناختند، شکایتی طرح نکردند. بسیاری از روستایی‌ها به من گفتند که آن مرد متهم به یک تجاوز دیگر در همین روستا بوده است. یکی از خویشاوندان قربانی در این رابطه گفت که این دختر چندسال دیگر باید شوهر کند و اگر مسأله تجاوز علنی شود یافتن شوهر مناسب برای او دشوار می‌شود.

تلاقی

پدر و مادر؛ شما متهمید!

به‌شدت به هم علاقه‌مند شده بودیم به این مخالفت توجیهی نکردیم و هر طور بود با هم ازدواج کردیم. زن جوان ادامه داد: پدرشوهرم مرتب مانع می‌شد و هر بار می‌خواست یک طوری بین من و پسرش جدایی بیندازد. اما موفق نشد، از روزی که ازدواج کردم یک روز خوش هم ندارم و پدرشوهرم مرتب مرا آزار می‌دهد اما همه اینها را تحمل کردم تا این که یک روز پدرشوهرم مرا صدا کرد و به من پیشنهاد داد تا با یک چوک به هر مبلغی که می‌خواهم از شوهرم جدا شوم.

وقتی این پیشنهاد را شنیدم گویا دنیا روی سرم خراب شد، راستش آن‌جا متوجه شدم که دیگر نمی‌توانم به این زندگی ادامه دهم. پدرشوهرم واقعا به من توهین کرد و من دیگر تحمل رفتارهایش را ندارم.

گاهی اوقات پدر و مادری که به‌خاطر دلسوزی، آسیب جدی بر زندگی مشترک فرزندان وارد به‌طور واضح بیان کرد. اما چون من و شوهرم

همه پولی که در حساب بانکی شما قرار دارد برای خرید کردن نیست. به‌خصوص اکنون که بیشتر خریده‌ها با بانک انجام می‌شود خطر این که از بودجه تعیین شده برای خرید کردن فراتر بروید بسیار زیاد است. پیش از خرید تعیین کنید که قصد دارید برای مثال چقدر پول برای شلوار بپردازید و به هیچ وجه از میزان تعیین شده فراتر نروید. عادت به خرید کردن بیش از بودجه تعیین شده به مرور زمان باعث خواهد شد تا بدهی‌ها از راه برسند.

حالا یک نکته دیگر: بعد از این که ما چیزی را می‌خریم که نباید می‌خریدیم، اگر کالا یا خدمتی که دریافت کرده‌اید خوب نیست آن را به فروشنده برگردانید.

همه پولی که در حساب بانکی شما قرار دارد برای خرید کردن نیست. به‌خصوص اکنون که بیشتر خریده‌ها با بانک انجام می‌شود خطر این که از بودجه تعیین شده برای خرید کردن فراتر بروید بسیار زیاد است. پیش از خرید تعیین کنید که قصد دارید برای مثال چقدر پول برای شلوار بپردازید و به هیچ وجه از میزان تعیین شده فراتر نروید. عادت به خرید کردن بیش از بودجه تعیین شده به مرور زمان باعث خواهد شد تا بدهی‌ها از راه برسند.

همه پولی که در حساب بانکی شما قرار دارد برای خرید کردن نیست. به‌خصوص اکنون که بیشتر خریده‌ها با بانک انجام می‌شود خطر این که از بودجه تعیین شده برای خرید کردن فراتر بروید بسیار زیاد است. پیش از خرید تعیین کنید که قصد دارید برای مثال چقدر پول برای شلوار بپردازید و به هیچ وجه از میزان تعیین شده فراتر نروید. عادت به خرید کردن بیش از بودجه تعیین شده به مرور زمان باعث خواهد شد تا بدهی‌ها از راه برسند.

۱۰

۱۲

۶

سال ۱۳۸۹ پرویز کریمی؛ معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر امور فرهنگی و آموزشی سازمان ملی جوانان از راهاندازی «مجمع خیرین ازدواج» خبر داده بود. طبق اعلام او قرار بود تشکیل‌های غیردولتی برای راهاندازی این کانون‌ها از سازمان ملی جوانان مجوز گرفته و دفتری راهاندازی و از امکانات استانداری‌ها و سایر تسهیلات دولتی استفاده و خدمتی به زوج‌های جوان ارایه کنند. براساس گفته‌های کریمی قرار بود این دفاتر یک نمونه غذا به‌عنوان شام عروسی به ۱۰۰ نفر از میهمانان عروس و داماد ارایه کنند البته گفته شده بود امکان تهیه بیش از یک نوع